

یادداشت

**آینده‌سازی یا آینده‌فروشی
تأمین اجتماعی**

حسن صادقی
رئیس اتحادیه بیشکسوتان جامعه کارگری

بحران مالی در سازمان‌ها یکی از پدیده‌های رایج در طول حیات اقتصادی این نهادهاست و نحوه مقابله با بحران و کاهش تبعات منفی آن، از مهمترین دغدغه‌های سازمان‌های درگیر بحران بوده‌است. باید توجه داشت که این اقدامات پیشگیرانه در صورتی موثر خواهند بود و بحران‌های مالی را کنترل و بهبود خواهند داد که عقلانی و با توجه به منافع سازمان، مجموعه‌های تحت‌مدیریت، جامعه هدف و ذینفعان اتخاذ شود اما اگر این اقدامات پیشگیرانه، نادرست و غیرعقلانی باشد و به منافع سازمان و ذینفعان توجهی نکرده باشد، شاید در کوتاه‌مدت شاهد بهبود بحران‌ها و کنترل آنها باشیم اما مقدمات و بسترسازی سازمان در بلندمدت را فراهم کرده‌ایم. در این بین اهمیت پایداری مالی در تأمین اجتماعی از آنجا آشکار می‌شود که بررسی‌ها نشان می‌دهد این سازمان در آینده نزدیک با بحران‌های مالی جدی مواجه خواهد شد. کاهش نرخ تولد از یک‌سو و افزایش سن افراد از سوی دیگر، منجر به افزایش چشمگیر میزان جمعیت بازنشستگان شده‌است. پیشی گرفتن رشد مصارف نسبت به منابع، در سازمان تأمین اجتماعی هم به عنوان چالش و هم به عنوان پیامد سایر چالش‌ها، مشهود است. از طرفی نیز عدم هماهنگی سیاست‌های کلان اقتصادی و تأمین اجتماعی، موجب عدم کارایی سازمان در بلندمدت خواهد شد.

مدیریت سازمان تأمین اجتماعی به‌تازگی بحث فروش اموال این سازمان را خلاف واقع خوانده است. حال سوال این است که آیا فروش و واگذاری پتروشیمی سازمان به بانک رفاه خلاف واقع است یا فروش املاک و اموال فراوانی که ظرف این دو سال اتفاق افتاده است؟ آیا پارایی فروشی که برای جبران کسری بودجه با مجوز اتفاق افتاده است، خلاف واقع است؟



مدیرعامل تأمین اجتماعی در تمام گزارش‌های خود از عدم استقرار در دوران مدیریت خود یاد و بر آن افتخار می‌کند. سوال این است که ماهیانه ۵۷۰۰ میلیارد تومان کسری بودجه سازمان را از کدام منابع تأمین می‌کنید و مگر جز با فروش اموال و سهام تأمین شده‌است؟ آیا فروش این اموال و سهام، آینده‌فروشی نیست؟ به نظر وی، ارزش دارایی‌هایی که در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ فروخته شده، امروز همان میزان است و آیا می‌توان با همان پول، سهام پتروشیمی، شانزداراک، امجدآ خریداری کرد یا با همان پول، امروز می‌توان املاک و مستغلات را مجدداً خریداری و به سازمان برگرداند؟ جواب قطعاً خیر است و معتقدم با چندین برابر آن پول هم قادر به بازگرداندن اموال از دست رفته سازمان نخواهند بود. به نظر من مدیریت سازمان تأمین اجتماعی، استقرار از بانک مر قون به صرفه‌است یا آینده راه فروش گذاشتن؟ نقل سلیم استقرار را توصیه می‌کنند یا فروش اموال و دارایی‌ها را؟

معتقدم مدیریت سازمان تأمین اجتماعی سرمایه‌ای را که طی ۴ دهه با ممارست مدیران عامل قبلی و در قالب طلب از دولت گرفته شده یار قالب تبصره ۸۲ نخست‌وزیری به دست آمده را امروز هزینه می‌کنند و بر آن هم افتخار می‌کنند. مدیران این سازمان با فروش اموال سازمان تأمین اجتماعی، آینده‌فروشی کردند و هیچ دستاوردی نیز نداشتند در حالی که مدیریت قبلی سازمان اگر هم استقرار کرد، توانست با دو مرحله اجرای متناسب‌سازی و یک مرحله کمک هزینه شب عید، شادی حداقلی را به کانون سرد خانواده‌های بازنشستگان منتقل کند.

در پایان به مدیران اتوبوسی که از کمیته‌امداد و دانشگاه امام صادق اسباب کشی کرده و بر خوان آماده سازمان تأمین اجتماعی نشسته‌اند، توصیه می‌کنم همان راه مدیران قبلی که استقرار است، را پیش‌رو بگیرد ولی آینده این سازمان بین نسلی را چوب حراج نزنند.

خبر کارگری

**ریش آوار ۳ کشته و زخمی
بر جای گذاشت**

روز سه‌شنبه (۲۵ مهر ماه)، به‌علت تخریب غیراصولی در منطقه باقرشهر تهران، سه نفر از کارگران که در محل حادثه مشغول کار بودند، بر اثر ریزش آوار در زیر تلی از خاک مدفون شدند. به گزارش ایلنا، در این حادثه یکی از کارگران بر اثر مدفون شدن زیر آوار و وارد شدن ضربه به سر، جان خود را از دست داد. طبق این گزارش، نیروهای امداد و نجات با حضور در محل حادثه توانستند جان دو نفر از کارگران را نجات و مصدومان را به نزدیک‌ترین بیمارستان منتقل کنند.

موسسه خدمات مالی و بانکی سوئیس در جدیدترین گزارش خود درباره وضعیت ثروت در جهان، خبر داده که جمعیت میلیونرهای ایران (براساس دلار) ۲۴۶ هزار نفر است؛ چهار برابر ترکیه و سه برابر مصر. بر این اساس، جمعیت کل افرادی که در سال ۲۰۲۲ یک میلیون دلار و بیشتر ثروت داشته‌اند، ۹ میلیون و ۳۹۱ هزار نفر است و ۹ میلیون و ۷۷۰ هزار نفر از این رقم مربوط به افرادی است که در منطقه آسیا و اقیانوسیه از جمله ایران زندگی می‌کنند.

این آمار امارد حالی از پیش چشم‌انمان عبور می‌کند که طبق آخرین آمار مرکز پژوهش‌های مجلس، نرخ خط فقر طی یک دهه از ۱۹ درصد به بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته، به این معنا که در واقع بیش از ۳۰ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر هستند! درصدی که البته بسیاری از کارشناسان اقتصادی آن را نزدیک به ۵۰ درصد می‌دانند. یعنی در حالی که جمعیت میلیونرهای ایران بالاتر از مصر، ترکیه و حتی عربستان ثروتمند است، می‌توان تخمین زد بیش از نیمی از جمعیت ایران از حداقل‌های یک زندگی انسانی هم برخوردار نیستند، این، همان چهره نا عادلانه اقتصاد در ایران است که کمتر کسی است که با آن مواجه شده‌باشد.

این در حالی است که بسیاری از کارشناسان هشدار می‌دهند طی سال‌های اخیر با رشد تورم، طبقه متوسط جامعه حذف شده و به سمت خط فقر حرکت کرده‌اند.

خودنمایی فقر در کشور میلیونرها

به گزارش اقتصاد ۲۴، برای بیشتر نمایان شدن این شمایل نا عادلانه اقتصاد در ایران کافی است تنها نگاهی به افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی ببیندازیم. بیش از ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار خانوار با جمعیتی حدود ۱۲ میلیون نفر، تحت پوشش نهادهای حمایتی کمیته امداد و سازمان بهزیستی کشور هستند. این آمار می‌تواند که سال قبل خود ۷۲ درصد افزایش داشت. متأسفانه این آمار به‌روزرسانی نشده اما با توجه به افزایش نرخ تورم طی دو سال اخیر، می‌توان حدس زد که این آمار اکنون در چه وضعیتی بدتری قرار دارد.

روی دیگر ماجرا ولی همان ۲۴۶ هزار میلیون ایرانی هستند که سرمایه آنها بالای یک میلیون دلار (بالا از ۵۰ هزار تومانی معادل بالای ۵۰ میلیارد تومان) است.

از طرفی با افزایش تفاوت‌های اقتصادی، جامعه ایران در حال تبدیل شدن به دو طبقه بر خود دارد و کم‌برخوردار است چرا که طی دهه‌های قبل، طبقه متوسط جامعه به تدریج از بین رفته و محدودیت‌های مالی در کشور افراد را به یکی از این دو دسته منتقل کرده است. به عبارت دیگر، بر خودداران از آن دسته از افرادی هستند که دارایی‌های ثابتی دارند یا امکان اخذ وام‌های کلان دارند. لازم به ذکر است که کمتر بودن نرخ سود بانکی از نرخ تورم، این مسیر را برای آنها هموارتر می‌کند و طبیعتاً آنها که به عنوان دارندگان مالی مستدام شناخته می‌شوند، قادر به حفظ و افزایش ثروت خود هستند.

**بیش از نیمی از جمعیت ایران از
حداقل‌های یک زندگی انسانی هم
برخوردار نیستند، این، همان چهره
نا عادلانه اقتصاد در ایران است که
کمتر کسی است که با آن مواجه
نشده باشد**

**رشد ۴ برابری میلیاردهای ایرانی همزمان با ۳ برابر شدن فقر مطلق
سیمای نا عادلانه و کریه اقتصاد کشور**



این گروه یک سمت شکاف گسترده اجتماعی و اقتصادی در ایران هستند. سوی دیگر شکاف همان جمعیت بین ۵۰ تا ۵۰ درصدی زیر چتر فقر هستند، همان جمعیتی که مجبور هستند تحت پشتیبانی افتان و خیزان نهادهای حمایتی روزگار بگذرانند.

تلاقی سرمایه‌داران و ابربدهکاران

در ایران نرخ سود بانکی از نرخ تورم کمتر است لذا از وام‌هایی با نرخ بهره ۴ درصد برای مواردی مانند ازدواج وام‌هایی با سود ۱۲ درصد برای موارد مختلف، استقبال و از آن به عنوان یک تسهیلات مالی خوب یاد می‌شود. در این اقتصاد بیمار، حتی کلمات هم از معانی خود بازمی‌مانند؛ مثلاً بدهکار، برنده می‌شود و به همراه خود کلیه اموالی که در عدم انصاف اقتصادی و توزیع شبه‌ناک ثروت در جامعه به وجود می‌آورد، تأثیرات منفی در طبقات مختلف جامعه ایجاد می‌کند و فقر فزاینده ممکن است پیامدهای جبران‌ناپذیری را به همراه آورد.

می‌توان از بعد دیگری وارد این ماجرا شد. احتمالاً کمتر کسی است که ترکیب ابربدهکاران بانکی در خاطر ه‌شنیداری‌اش، درنگ‌ناشته باشد! به خصوص که مبارزه با این ابربدهکاران و افزایش آنها تبدیل

به دستاویزی شد تا هر دولت، سعی کند امتیاز آن را به نوعی به نام خود بزند و با عنصر شفافیت‌بازی کند. بماند که پرونده ابربدهکاران، بیش از دو دهه است که باز است و سوزن آن تا به امروز به درازا کشیده شده است.

نوسان‌گیری ثروتمندان از تورم کشور

در ایران شرایط اقتصادی در دوره‌های با تورم بالا و نیز دوره‌های با تورم پایین تأثیر مستقیمی بر کار بردهای اقتصادی و تصمیم‌گیری‌های خواص اقتصادی دارد و وضعیت تورم بالا در دوره‌های مختلف توجه افراد را به تسهیلات مالی بانخ سود کم جلب می‌کند. تحلیل نرخ سود تورم در دوره‌های مختلف

**تفاوت‌های اقتصادی، ایران در
حال تبدیل شدن به دو طبقه بر خود دارد
و کم‌برخوردار است چون طبقه
متوسط جامعه به تدریج از بین رفته و
محدودیت‌های مالی در کشور افراد را به
یکی از این دو دسته منتقل کرده است**

نشان می‌دهد که افرادی می‌توانند با دریافت تسهیلات مالی بانرخ سود کم در این شرایط اقتصادی سود زیادی کسب کنند، حتی اگر بلافاصله مبلغ اصلی تسهیلات را به بانک بازپرداخت نکنند. به عبارت دیگر، تسهیلات مالی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار سرمایه‌گذاری سودآور و جلب سود برای افراد متمول و پانواع مالی بااعمل کند.

در مقابل، وضعیت تورم پایین نیز به معنای این است که نرخ سود بالا برای تسهیلات مالی متداول می‌ماند. افرادی که به تسهیلات ارزی دسترسی دارند، از این موقعیت بهره می‌برند و مبلغ اصلی تسهیلات را به صورت ریالی سپرده‌گذاری می‌کنند. به عبارت ساده‌تر، با توجه به تثبیت نرخ ارز در این شرایط اقتصادی، این افراد در حالی که سود ریالی بالایی کسب می‌کنند، به بازپرداخت مبلغ اصلی تسهیلات ارزی می‌پردازند. نتیجه این تحلیل مشخص است؛ تسهیلات مالی، بستری برای ایجاد و تقویت این انگیزه‌ها و رفتار هادر دوره‌های با تورم بالا و پایین فراهم می‌کند و تأثیر بسزایی بر توزیع ثروت و نابرابری‌های اقتصادی دارد.

با همین تحلیل، می‌توان احتمال داد که ممکن است بخشی از افراد که اکنون به عنوان ابربدهکاران بانکی شناخته می‌شوند از میان همین میلیون‌های ایرانی (بسادارایی‌های بالای یک میلیون دلار به تبعیت از معیارهای جهانی) متولد شده باشند. افرادی که به‌گواهی نشریه فوربس، ایران را به عنوان یکی از ۱۴ کشور بر ثروت جهان و به عنوان یکی از ثروتمندترین کشورهای خاورمیانه تبدیل کرده‌اند. آن سوی این شکاف عمیق اما چشم‌انداز متفاوتی از زندگی جاری است؛ جایی که بیماری‌های همه‌گیر، تورم، نوسانات ارز و بزنگاه‌های سیاسی، نه‌مجال ثروت‌اندوزی بلکه لرزه‌های آشکار به جریان زندگی است. تقلیل ابتدایی‌ترین اقلام سبد خانوار، حاشیه‌نشینی، بازماندن از تحصیل و ده‌ها درد بی‌درمان دیگر که زبر خط فقر جاری است، آنجا که برخی با روزی یک دلار زندگی می‌کنند.

باید گفت که مساله نابرابری اقتصادی در ایران نشان‌دهنده آن است که اهمیت اصلاحات سیاسی و اقتصادی جدی است. اقدامات مؤثر برای تعادل بخشی نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و بهره‌مندی گسترده‌تر از ثروت ملی باید اولویت‌های دولت و مسئولان کشور باشد. اصلاحات گام به گام در زمینه تنظیم نرخ‌های سود بانکی و کنترل اخذ تسهیلات به عنوان مهمترین اقداماتی هستند که در نه‌نهایت به اقتصادی عدالت‌محور و پایدار منجر می‌شود.

گفت و گو

یک کارشناس اقتصادی:

متناسب شدن دستمزد با تورم، میلیون‌ها فرصت شغلی ایجاد می‌کند

یک کارشناس اقتصادی با اشاره به اینکه متناسب شدن حقوق و دستمزد با نرخ تورم می‌تواند حدود ۶ میلیون فرصت شغلی ایجاد کند، گفت: عدم تناسب حقوق و دستمزد با تورم بالا موجب اجبار برخی شاغلین به دو یا چند شغله بودن است. آرمان حاجیان‌فرد در گفت‌وگو با تسنیم گفت: یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه اقتصادی، افزایش شغل و اشتغال است اما اثر تورم بر رابطه بین توسعه مالی و اشتغال نایب‌نایدیده گرفته شده. همان‌گونه که تورم بر اشتغال اثر گذار است، تغییر در ماهیت اشتغال و نابه‌سامانی در این حوزه شاخص‌های توسعه اقتصادی را دستخوش تغییر قرار خواهد داد.

وی ادامه داد: بر اساس تحقیقات علمی، بالاتر رفتن نرخ تورم (گذر از سطح آستانه تورم) اثر افزایشی پایه پولی بر نرخ بیکاری را تشدید کرده یعنی بالاتر رفتن تورم، پایه بیشتری بر کاهش

اشتغال داشته که با توجه به افزایش پایه پولی طی سال‌های اخیر و تورم‌های بالا در اقتصاد ایران، بالاتر رفتن نرخ بیکاری پیش‌بینی می‌شد. حاجیان‌فرد افزود: با افزایش تورم و کاهش حجم تولید در حوزه‌های مختلف طی سال‌های اخیر، کارفرمایان و صاحبان مشاغل نسبت به تعدیل کارگران اقدام و با به کارگیری افراد به صورت پاره‌وقت، خدمات فرادراجمی را با قیمت پایین‌تری دریافت می‌کنند. در واقع این رفتار صاحبان مشاغل، عاملی در پیدایش چندشغله‌ها در بازار کار ایران شده است. طبق برآوردهای به عمل آمده حداقل ۳۰ درصد شاغلین جز چندشغله‌ها محسوب می‌شوند که دلایل چندشغله بودن این جمعیت شغال که بیش از ۵ میلیون نفر هستند به دو بخش دلایل اقتصادی و دلایل فرهنگی و اجتماعی تقسیم می‌شود.

جست‌وجوی مشاغلی جهت تأمین معیشت است ولی بی‌اثری و حتی عقب‌ماندگی دستمزد نسبت به هزینه معیشت، بابت تورم بالای چند ساله اخیر بوده است. با توجه به خط فقر حدود ۳۰ میلیون تومانی برای شهر تهران، تعیین حداقل دستمزد حدود ۸ میلیون و ۳۰۰ سوزی شورای عالی کار، تعیین راهکاری قانونی جهت استعمار کارگران و کارمندان است. باز خود را این سیاست‌ها، ایجاد شرایط حداقلی زندگی برای ۳۰ درصد جامعه و افزایش سرعت روند نزولی شرایط اقتصادی دهک‌های متوسط جامعه است.

وی افزود: عدم تناسب حقوق و دستمزد با تورم بالا علاوه بر اینکه موجب اجبار برخی شاغلین به دو یا چند شغله بودن است، عاملی جهت عدم تمایل جمعیت جوانی کار به فعالیت و تصدی مشاغل است. دستمزد‌های کارگری و کارمندی پیشنهادی، گاهی تکافوی هزینه‌تردد و اوراق کارگران را هم نمی‌دهد لذا به تبع باخالی ماندن این مشاغل، شاغلین باحتی مهاجران از دیگر کشورهای تصدی این مشاغل روی می‌آوردند در حالی که اگر این بخش دولت سامان یابد حداقل ۶ میلیون فرصت شغلی برای جوانان جوانی کار ایجاد می‌شود.



حسینی افزود: شاید بهانه این باشد که با این کار و رسمی کردن دفاع و وکالت، جلو سوءاستفاده و دلایلی را می‌گیرند یا مالیات موضوع ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم از و کلا توسط دارایی گرفته می‌شود اما در عمل این بخشنامه موجب

جدید در آموزش و پرورش خواهیم داشت. نزدیک به ۱۰ هزار نفر هم تکمیل ظرفیت آموزشی داریم. کارها در آموزش و پرورش نهایی شده و ما منتظر اعلام سازمان سنجش هستیم. وی ادامه داد: علاوه بر ۱۸ هزار نفری که قبلاً بود ۱۰ هزار نفر هم اضافه می‌شود که در مجموع ۲۸ هزار نفر خواهد شد و ۱۵ هزار نفر قبولی نهایی دبیری ما خواهد بود که اضافه خواهد شد.

رئیس سازمان اداری و استخدامی در پاسخ به این سوال که آیا سوابق کسانی که شرکتی بودند لحاظ خواهد شد؟ اظهار

کرد: از لحاظ بیمه‌ای که سوابق حتماً محاسبه می‌شود. در آزمون چون امسال دوبخشی بوده و یک بخش آن ایفای نقش عملی بوده طبیعتاً کسانی که تجربه کار عملی داشته‌اند در مرحله ارزیابی تکمیلی اگر آن توانمندی‌ها را داشته باشند، امتیاز بیشتری می‌گیرند.

وی درباره پرداختی‌های جدید الاستخدامها که گفته می‌شود زیر ۱۰ میلیون تومان بوده و باعث برزش شده، گفت: پرداخت بر اساس نظام هماهنگ مدیریت خدمات کشوری صورت می‌گیرد و تفاوتی بین این عده و سایرین نخواهد بود.

رئیس سازمان اداری و استخدامی:

آزمون استخدام ۱۱۱ هزار کادر درمان، امروز برگزار می‌شود

رئیس سازمان اداری و استخدامی گفت: روز پنجشنبه (۲۷ مهر) آزمون استخدام ۱۱۱ هزار کادر درمان و نیروی وزارت بهداشت برای ۲۲ هزار پست با تاکید بر مناطق محروم و فوریتهای پزشکی برای کمک به بیمارستان‌های تازه تأسیس برگزار خواهد شد.

به گزارش ایسنا، میثم لطیفی اظهار کرد: برای کسانی که در ایام کرونا خدمت کرده‌اند امتیازگیری پیش‌بینی شده که در ارزیابی‌ها لحاظ خواهد شد.

وی درباره آزمون جذب معلم گفت: سازمان سنجش نتایج آزمون دبیری را به زودی اعلام خواهد کرد و حدود ۱۵ هزار دبیر